واگذاری سهام به مردم چگونه؟ با کدام هدف: بسیار خوب است اگر درست اجرا شود

مهدویان، هادی

سال‏هاست که موضوع واگذاری سهام دولت به مردم یکی از مباحث مطرح در زمینه گسترش مالکیت عمومی است.گرچه این اندیشه در کشورمان در دوره‏هایی حتی شکل اجرایی نیز به خود گرفت،اما کار،در نیمه رها شد،حال آنکه برخی کشورها این شیوه را به کار بستند و تا حدودی از نتایج مثبت آن نیز بهره‏مند گشتند.

در مبارزات انتخاباتی نهمین دوره ریاست جمهوری،بار دیگر برخی نامزدها موضوع واگذاری سهام دولت را به مردم به عنوان یکی از هدف‏های خود بیان کردند.این امر به‏طور طبیعی انتظاراتی را در میان مردم پدید آورده است.بحث،با ارائه طرح‏هایی از سوی اتاق بازرگانی، بورس اوراق بهادار تهران و مرکز پژوهش‏های مجلس شورای اسلامی،نخستین جنبه‏های عملی شدن را نیز به خود گرفته است.

ماهنامه روند اقتصادی هدف‏های طرح و الزامات اجرایی آن را در نشست کارشناسان خود به بحث گذاشته است که حاصل آن را می‏خوانید.

واگذاری سهام باید براساس یک برنامه جامع صورت بگیرد بسیار خوب است، اگر درست اجرا شود

هادی مهدویان

بحث فروش سهام شرکت‏ها و مؤسسات دولتی و مشارکت دادن مردم در مالکیت آن‏ها قبل از انقلاب نیز مطرح بود.در سال‏های 53 و 54،پس از افزایش قیمت‏ نفت،بحث بازپرداخت دیون و اوراق قرضه و اوراق‏ اصلاحات ارضی و عباس‏آباد و...مطرح و فروش سهام‏ شرکت‏ها و مؤسسات دولتی،به عنوان یکی از راه‏های‏ بازپرداخت و تامین منابع،در نظر گرفته شد.علاوه بر آن این بحث به منزله هدف مستقل و اقدام لازم برای‏ مشارکت مردم در مالکیت واحدهای تولیدی مورد توجه قرار گرفت تا بدین ترتیب راه مالکیت مردم در شرکت‏ها و فعالیت‏ها هموار و مردم به تدریج جلب بازار سرمایه شوند. در این راتباط دو سازمان کار خود را آغاز کردند: «سازمان گسترش مالکیت واحدهای تولیدی»که‏ سازمانی وابسته به وزارت امور اقتصاد و دارایی آن زمان‏ بود و«سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای‏ تولیدی»که به عنوان یک سازمان تأمین کننده مالی‏ (فاینانسر)فعالیت داشت.دلیل این امر نیز آن بود که در مقابل واگذاری سهام به مردم پولی دریافت نمی‏شد،در مقابل قرار این بود که سامان مالی،در یک دوره سه تا پنج ساله،منابع لازم مالی را از محل سود سهام واگذار شده،که در رهن قرار داشت،به اضافه آورده خریدار، برای تسویه،لحاظ و سهام را به تدریج آزاد کند.البته در نظر بود که تأمین مالی این عملیات به صورت توأمان لازمه موفقیت طرح، توجه به آن به عنوان‏ یک طرح جامع اقتصادی‏ است و نه وسیله‏ای برای‏ تبلیغ سیاسی‏ انجام گیرد.سه گروه مورد توجه طرح بودند:کارکنان‏ شاغل در هر فعالیتی،کارمندان دولت و در مرحله سوم‏ عموم مردم.

از آنجا که بخشی از صاحبان جدید،کارکنان مؤسسات‏ دولتی بودند،یکی از راه‏های تامین مالی برای‏ بازپرداخت بهای سهام و آزاد کردن آن‏ها،مزایای‏ کارکنان شاغلی( bonus )در نظر گرفته شد که به‏ مشارکت در طرح علاقه‏مند بودند.

بر این اساس می‏توان گفت که تشگیل شرکت‏ سرمایه‏گذاری ملی امروزی گرته‏برداری کامل از این‏ شیوه بود و نوعی پس‏انداز اجباری محسوب می‏شد. البته در آن روش،واگذاری حداکثر 49 درصد سهام‏ مطرح بود و بنابراین 51 درصد سهام در اختیار مؤسسان‏ شرکت باقی می‏ماند.هدف هم جلوگیری از بروز آشفتگی در نظام مدیریتی شرکت‏ها بود.همچنین ابتدا قرار بر واگذاری 25 درصد سهام به کارکنان شرکت‏ها بود،اما سپس این رقم هم تقلیل یافت.

گرچه این طرح در تعدادی از شرکت‏ها و مؤسسات‏ در سال‏های قبل از انقلاب به اجرا درآمد،اما چندان‏ گسترش نیافت،زیرا با عدم استقبال تعدادی از سرمایه‏ گذاران بخش خصوصی نیز روبه‏رو شد.

با وقوع انقلاب،کل پروژه تعطیل شد،در حالی‏که دو سازمان مزبور تا یک دهه به کار تسویه مشغول بودند. البته در دهه نخست انقلاب،سازمان بورس اوراق بهادار نیز تعطیل بود.بورس در سال 1368 و در فضای پس از جنگ ابتدا با تعداد معدودی شرکت،کار خود را از سر گرفت.سپس تبصره 35 خصوصی‏سازی در بودجه‏ سنواتی مطرح شد.شیوه‏های خصوصی‏سازی دیگری‏ نیز به تدریج به اجرا درآمدند.سرانجام از سویی با توجه‏ به بلوغ تدریجی بورس و از سوی دیگر تراکم ثروت و دارایی در دست یک عده از رهگذر شیوه‏های اجرایی‏ خصوصی‏ساری و فروش سهام،اندیشه واگذاری سهام‏ به عموم مردم بار دیگر احیا شد.نخست اتاق بازرگانی‏ به این اندیشه پرداخت.طرح مطالعاتی اتاق بازرگانی در این‏باره در سال‏های 76 و 77 ارائه گردید.سپس‏ مؤسسات و سازمان‏های دیگر به صرافت پیگیری‏ موضوع افتادند.

برگرفته از تمامی تجربیات قبل و پس از انقلاب‏ می‏توان گفت که واگذاری بسامان سهام شرکت‏های‏ دولتی به مردم نیازمند چند مؤلفه است: نهاد مستقل اداری و مالی برای مدیریت طرح؛

تعیین درست ارزش واقعی سهام؛

تأمین منابع مالی اجریا طرح؛

تدوین اصول،ضوابط و چهارچوب‏های دقیق انجام‏ کار؛

شفافیت در اجرای امور به ویژه از آن‏رو که هدف‏ طرح مشارکت عموم مردم است؛

برخورداری شرکت‏هایی که قرار است سهام‏شان‏ واگذار شود از مدیریت مطلوب و بهینه.

با فراهم کردن این سازوکار اجرایی،بی‏تردید باید از واگذاری سهام استقبال کرد.چون نتیجه اصلی کار چیزی‏ نخواهد بود مگر ترغیب مردم به پس‏انداز کردن یا مشارکت دادن آن‏ها در خرید دارایی.

در شیوه‏های واگذاری سهام به عموم سه منبع برای‏ بازپرداخت تسویه دیون توسط مشارکت کنندگان‏ پیش‏بینی می‏شود:سود سالانه سهام،تعهدات‏ مشارکت کننده از محل حقوق و مزایای معمول خود و پرداخت مزایای ماهانه،برای مثال 5 تا 10 درصد حقوق‏ کارکنان از سوی مؤسسه‏ای که فرد در آن به کار مشغول‏ است برای تشویق وی به مشارکت در طرح.پرداخت‏ این مزایا منوط به آورده و منابع تعهدی مشارکت کننده‏ است.همین کمک،مشوق افراد برای مشارکت در طرح‏ است.طبیعی است هرگاه مشارکت کننده از این سه‏ طریق بدهی خود را تسویه کرد،سهامش آزاد و قابل‏ معامله می‏شود.به این ترتیب،امکان بورس‏بازی روی‏ سهام و معضلات دیگر به حداقل می‏رسد.

به‏طور خلاصه بای به طرح واگذاری سهام دولتی‏ به عنوان بخشی از یک برنامه کامل و جامه نگریست‏ و در اجرای آن به دقت به معیارهای بازار،مدیریت‏ بهینه و ادغام با اقتصاد جهانی و صادراتی کردن‏ اقتصاد توجه داشت.تنها در این صورت است که‏ توزیع سهام به گسترش پایه‏های مالکیت در کشور، ارتقاء اقتصاد ملی،بهبود توزیع درآمد و سطح رفاه‏ عمومی جامعه خواهد انجامید.در غیر این صورت‏ چه بسا کار به هرج و مرج بینجامد،یعنی همان‏ وضعیتی که قبل از انقلاب در فرآیند گسترش مالکیت‏ واحدهای تولیدی اتفاق افتاد و کار متوفق شد. لازمه موفقیت طرح،توجه به آن به عنوان یک طرح‏ جامع اقتصادی است و نه وسیله‏ای برای تبلیغ‏ سیاسی.

به عنوان مثال نوعی از طرح حاضر در جنوبشرقی آسیا، سنگاپور،مالزی و کره‏جنوبی،از طریق سازوکاری انجام‏ می‏گیرد که به«صندوق آتی»می‏گویند؛صندوقی که‏ همه ملزمند 20 تا 25 درصد درآمد خود را در آن پس‏انداز و از طریق صندوق‏های ویژه سرمایه‏گذاری و به دارایی‏ تبدیل کنند.ویژگی این صندوق مسدود بودن آن است؛ البته مادام که تعهدات مشارکت کننده ایفا نشده است، دارایی‏اش آزاد نمی‏شود.یعنی برخلاف سازوکار کوپن‏ سهم یا واچر،که به محض در اختیار مردم قرار گرفتن‏ آن‏ها:بازاری برای‏شان پیدا می‏شود و می‏توان آن‏ها را معامله کرد،از طریق این صندوق نمی‏توان سهمی را خرید و یا فروخت،اما هرگاه مشارکت کننده‏ای به‏ پول نیاز داشته باشد،در ازای رهن گذاشتن دارایی‏اش‏ در صندوق،برای گرفتن وام به نهادی دیگر معرفی‏ می‏شود.

آیا واگذاری سهام دولتی به مردم تورم‏زاست؟

برخی اقتصاددانان بر این باورند که واگذاری سهام شرکت‏های دولتی به مردم،خواه در شکل کوپن سهم یا واچر، سبب می‏شود که اقشار کم‏درآمد برای تأمین نیازهای خود،در اولین فرصت ممکن سهم خود را به بازار عرضه و پول حاصله را صرف خرید کالا کنند.در واقع انجام این کار"مصرف را افزایش می‏دهد".خطر این کار سرازیر شدن‏ مبالغ معتنابهی نقدینگی به بازار و افزایش تورم است.این امر،خصوصا با توجه به افزایش قابل ملاحظه بهای نفت، می‏تواند سبب تورم عنان گسیخته و بسیار خطرزا باشد.

در مقابل برخی صاحب‏نظران نیز معتقدند که این کار"تقاضای کل را تغییر نمی‏دهد"و بنابراین تورم‏زا نیست. آن‏ها اعتقاد دارند که اجرای طرح‏"ترکیب تقاضا را تغییر می‏دهد"

گروه سوم نیز تأکید می‏کنند که اگر در اجرای طرح واگذارس سهام بر تدقیق چهار اصل:انتخاب واحدها،مدیریت‏ مطلوب که تنها محمل ممکن آن بورس است،نظام اعطای مزایا برای مشارکت و محبوس بودن دارایی تا زمان‏ تسویه حساب،پای‏فشرده شود،اساسا دلیلی برای تورم‏زایی طرح وجود نخواهد داشت.